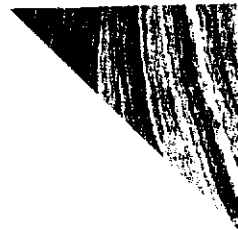


سینمای مستند، میزگرد و دیگر هیچ



سال ۷۴ برای سینمای مستند ایران، سال مظهری است؛ سال رجعت دوباره، سال بازشناسی ارزشهای فراموش شده اش، سال پذیرش جایگاه و اهمیت این ژانر در بنیاد فرهنگی جامعه و سال ... حرفهای خوب.

نخستین تحلیلیها از نقد سینما شروع می شود؛ تحلیلهایی که با هشدارهای آگاهانه درباره آینده سینمای ایران همراه است. سینمایی که در آن تولید مستندهای با ارزش می رود که خاطره شود. مدیر مسئول نقد سینما در تحلیل موشکافانه اش، سیاستهای حاکم بر سینمای ایران را در بعد از انقلاب اسلامی به سه دوره تقسیم می کنند و مست شدن تدریجی بی های سینمای ایران را با ذکر علل و نمونه به بررسی می نشینند. یکی از عوامل مستی مورد اشاره که در این تحلیل مورد تاکید قرار می گیرد، عدم توجه و اهمیت به فیلم مستند و کوتاه است:

... در این پنج سال باید با مطالعه دقیق و جامع به ملاک های سینمای ارزشی خود و الگوی آن در سینمای جهان انتخاب می کردیم و پس از این مرحله می باید سینمای مستند و کوتاه را بها می دادیم و راه می انداختیم. سینمای مستند و کوتاه که بنیادی ترین نوع سینماست، می توانست ما را در تست زدن و گذر از مرحله آزمایش کمک جدی کند. مشخصه مشترک هر دو گروه - [مدیران دوره اول و دوم سینمای ایران تا اوایل دهه هفتاد] - بی توجهی به

سینمای مستند و فیلمسازی کوتاه بود که بنیادی ترین نوع سینماست. ... سینماگران موفق دنیا اغلب کسانی هستند که یک دوره طولانی کار مستند و کوتاه انجام داده باشند!

به موازات این تحلیل که در دوره جدید نقد سینما مطرح می شود، سر فصل جدیدی در نگرش به سینمای مستند و طرح جدی آن گشوده می شود و مستند به گونه بی جدی و در مقالات متعدد، مورد بحث و تحلیل قرار می گیرد؛ نیازی که تاکنون به طور جدی و مستدام، بدان پرداخته نشده بود. در این مقالات از احتضار و مرگ مستند نیز سخن به میان آمده و به گونه بی کاربردی، واژه «مستند» بررسی می شود:

سینمای مستند مرزها را می شکند. مرز اشیاء و آدم ها و جهان ها آنها را در هم تداخل می دهد. آنها را از فراسوها گرد می آورد و با هم آشتی می دهد. از مرزها می گذرد و فراسوی مرزها، آدمیان را وامی دارد که با هم دست دهند. حس مشترک را در باب موجودیت جهان با هم تجربه کنند. این تجربه در آموزش نیست که در تفاهم است. دردهای آدمی و جهات نامکشوف جهان در برخورد متضاد و متفاهم اشیاء با یکدیگر، ساختاری جدید می یابد و ارزشی جدید کشف می شود.

این موج که در شماره های بعد نیز بخشهای دیگری از این بی توجهی را می نمایاند، بر ضرورت گسترش سینمای مستند و طرح مبانی آن تاکید می ورزد. این حرکت بازتابهای جدی ای را در پی دارد. اولین بازتاب جدی آن در جشنواره سیما متجلی می شود؛ در میزگردهای مستند که بخش قابل توجهی از برنامه های جشنواره را تشکیل می دهد:

... متأسفانه بخصوص در چند سال اخیر و اگر جایی برای انتقاد از خود باشد و در یکی دو سال اخیر موج دامن گستر فعالیت های نمایشی و داستانی و به تعبیر کلی تر سرگرم کننده تر، نوعی غفلت از کارهای اساسی تر را در تلویزیون بوجود آورد که البته شاید بخشی از آن حاصل دست پاچگی های سیاست گزاران که ما باشیم هست و بخشی از آن ناشی از نوع نگاهی است که دست اندرکاران تولید برنامه ها دارند در حالی که جاری زندگی مردم نیازمند کار و تلاش در حوزه های مستند است و چون تلقی ما که البته به نظر بنده تلقی ای تاریخی هم شده از کار مستند تلقی ای ناچیز خرد و حقیر و کم وزنی بوده، در این حوزه متأسفانه دچار عقب افتادگی شده ...^۲

آنچه در بیانات معاون سازمان





صدا و سیما به نحو صادقانه بی مورد اشاره قرار می گیرد؛ تنزل تلقی از مفهوم فیلم مستند در سازمان است: نواز تصویری متحرکی از آثار باستانی، بناهای تاریخی و متبرکه، حرفه ها یا طبیعت زیبا که با چاشنی متنی ادبی، مثلاً به عنوان گفتار و یک موسیقی بی تناسب ملقمه بی را به ظاهر سامان می دهد که باید آن را به نام «فیلم مستند» پذیرفت.

جمع بندی میزگردهای فوق در قالب یک بیانیه، ضرورت استقرار یک تشکیلات مستقل را مطرح می کند؛ تشکیلاتی که هم در زمینه تولید فیلم مستند و هم در زمینه آموزش مستندسازی - و نه تدریس تاریخ سینمای مستند - فعال باشد. حال در پایان چهاردهمین جشنواره فیلم فجر قرار داریم؛ جشنواره ای که برخلاف سیزده جشنواره پیشین، بخش جدیدی به برنامه های خود افزوده: بخش چشم انداز سینمای مستند. این امر دو ویژگی عمده دارد. نخست آن که مشاهده تداوم جریان فکری خاصی که از نقد سینما شروع، با جشنواره سیما مورد تعمق قرار گرفته، سر از جشنواره فجر درمی آورد، امیدوار کننده و غرور آفرین است. این از جنبه مثبت قضیه. لیکن برگزاری بخش «چشم انداز سینمای مستند» سویه دیگری نیز دارد که چندان خوشایند نیست. گفتیم که چگونه دیدگاه خاصی نسبت به فیلم مستند در جامعه سینمایی کشور پدید آمد. همچنین گفتیم که چگونه ضرورت پی گیری و تقویت مستندسازی در باور مسؤولان امر نشست و آنها را واداشت تا نسبت به استنباط و داوری خود در مورد مفهوم مستند و پدیده مستندسازی تجدیدنظر به عمل آورند. سویه دیگر که نوید کننده و منفی است، نگرش مسؤولان برگزاری جشنواره فجر نسبت بدین قضیه است که در عمل، همچنان بر روال سابق دور می زند:

نقاط قوتی در گزینش آثار کلاسیک سینمای مستند است، لیکن آکنده است از آن آشفتگی، عدم تناسب و ناهمگونی که بدان اشاره خواهد شد.

چشم انداز سینمای مستند: برنامه و میزگرد

با نگاهی به لیست برنامه این بخش جنبی چهاردهمین جشنواره فیلم فجر، آثار با ارزشی در آن می توان یافت؛ آثاری چون ترانه سیلان، زمین بی نان، پیروزی اراده و پست شبانه که در زمره آثار ماندگار سینمای مستند جهان، به شمار می آیند. همچنین آثار با ارزش دیگری از سینمای مستند ایران، آثار مستندسازان متقدمی چون: شیردل، طیب، سینایی، شفتی، گلستان، تقوایی و متاخرینی چون مختاری، مهران فر، طالب زاده و راوی روایت فتح، شهید آوینی. در ارزشمند بودن این آثار کوچکترین تردید یا چند و چون نمی توان داشت. این خود امتیازی برای این بخش از جشنواره به حساب می آید که باید مورد اعتنا قرار گیرد. لیکن عدم یکدستی و ناقص بودن برنامه را نمی توان با چشمداشت بر این ارزش از نظر دور نگاه داشت. جای خالی آثار بزرگانی چون فلاهرتی، گریرسن، آکن رنه، جینگز، روتن و روتا حداقل در این میان خالی بود. و به همین دلیل، طرح

... بنا نبود که ما چیزی به نام بخش مستند در کنار جشنواره چهاردهم داشته باشیم. چیزی حدود ۱۷ روز مانده به جشنواره تقریباً این فکر به ذهن افتاد و طبیعتاً با توجه به زمان کمی هم که داشتیم دوستان تمام سعی و تلاش خودشان را گذاشتند. چیزی حدود ۱۶۰ فیلم از فیلم های مستند مورد بازبینی قرار گرفت که از آن میان ۶۰ فیلم برگزیده شد.^۴ تو خود حدیث مفصل بر خوان. با توجه به نیازهای فرهنگی جامعه، آن هم در شرایط هجوم لگام گسیخته ماهواره ها و با توجه به اشتیاقی مراکز تلویزیونی و فرهنگی دنیا نسبت به نداشتن مستندهای ارزشمندی در مورد فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران زمین که قدر و قیمت و اهمیت این کالای هنری فرهنگی را در معادلات اقتصادی نیز نشان می دهد^۵ و علی رغم تمامی زمینه های آگاهی - نقد سیما و جشنواره سیما - این سؤال پیش می آید که چرا تا هفده روز قبل از شروع جشنواره فجر، اسمی از آثار سینمای مستند و حضورش در یک بخش جنبی نیست؟ آیا این موضوع، مبین نوعی بی اطلاعی از رویدادهای فرهنگی و هنری جامعه و بی اعتنایی نسبت بدان نیست؟

وقتی این اشکال عمده، می خواهد در عرض هفده روز مورد پنهان سازی قرار گیرد، نتیجه ای می دهد به نام «چشم انداز سینمای مستند» با برنامه ای که هر چند واجد



طبیعت افسونگر

در جریان جلسات متعدد مورد بحث و فحص قرار گرفته تا مهم ترین و ضروری ترین مباحث برای طرح در جشنواره برگزیده شود. مجری و برگزار کنندگان عمده آن در طی زمانی متجاوز از سه دهه، آثار با ارزشی از خود به جای گذارده بودند و به خوبی بر چند و چون معضلات و ویژگیهای سینمای مستند، اشراف داشتند. بدیهی است که مجموعه این عوامل می تواند نتایج کاربردی قابل اعتنایی دربر داشته باشد، هر چند تاکنون از کار بست آن دستاوردها خبری نیست. ولی میزگردهای مستند جشنواره فجر، علی رغم حضور مستندسازان شناخته شده‌ی چون سینایی، مختاری، جهرمی، طالب زاده و حضور مستندسازان خارجی میهمانی چون کریس بری (منتقد، نویسنده سینمایی و کارشناس سینمای مستند از استرالیا)، امانوئل پاسکال لاموریس - که آخر معلوم نشد نام واقعی ایشان پاسکال است - نشریه روزانه جشنواره شماره ۸، ص ۳ - امانوئل - نشریه روزانه جشنواره شماره ۵، ص ۲ - پروان جیانیکیان - که

باورها و اعتقادات این ملت کهنسال شمرده می شوند؛ آثاری که بارها و بارها از سوی مراکز مهم نمایش و حفظ آثار ممتاز سینمای مستند در جهان، مورد استفاده و نمایش قرار گرفته اند. و اما میزگردهای سینمای مستند: بی آن که قصد و نیت خاصی برای مقایسه در بین باشد، در ارزیابی عملکرد و نحوه ارائه میزگردهای مستند جشنواره فجر، ناگزیر از مقایسه ایم؛ مقایسه بین میزگردهای مستند در نخستین جشنواره سیما و این میزگردها. آن میزگردها، موضوعیت داشت و از نظم و انسجام خاصی بهره ور بودند. تعریف فیلم مستند، جایگاه اهمیت و موقعیت آن در سینمای ایران، شناخت و ارزیابی مستند جنگی، معضلات فراراه مستندسازی و راه حل پیشنهادی برگزار کنندگان میزگرد که به صورت بیانییه یی کوتاه به منظور جمع بندی نتایج و دستاوردهای بحث در روز آخر قرائت شد، بخشهای مختلف میزگرد نخستین جشنواره سیما را تشکیل می دادند. میزگردهای فوق با برنامه ریزی از پیش تعیین شد و توسط مستندسازان متقدم و

این سؤال دور از ذهن به نظر نمی رسد که نقش بازیابی - به منظور انتخاب - در این میان چه لزومی دارد. گزینش و لیست کردن آثار مهم سینمای مستند جهان به دانش زیادی نیاز نداشته و تنها با خواندن کتاب معتبر حمید نفیسی - فیلم مستند - می توان با توجه به موجود بودن این آثار در فیلمخانه و سینمای جمهوری اسلامی - که در این رابطه نهایت همکاری را نیز میذول داشته اند - برنامه یی پر بار تدارک دید؛ مگر این که ... بگذریم.

نکته فوق در مورد مستندسازان ایرانی دیگری که حضور آنان و فیلمهای ماندنی شان، می توانست بر رونق جشنواره بیفزاید و متاسفانه، مورد حذف ملیح قرار گرفتند نیز صدق می کند. آیا جز شتابزدگی و عدم اشراف کافی بر سینمای مستند ایران و جهان در این باره عامل دیگری می توان بر شمرد؟ عدم تمرکز بی مورد روی برخی مستندسازان - طیباب با هشت فیلم و سینایی با شش فیلم - می توانست به آثار ارزشمند دیگری راه دهد که هر کدامشان به گواه تاریخ، آینه تمام نمای فرهنگ، سنن،

مجری محترم جشنواره تا روز آخر ایشان را به اشتباه، پروان جیان کیانی می‌نامید! و همسرش خانم آنجلاریچی که هر دو از مستندسازان ارمنی الاصل ایتالیایی‌اند، چندان پربار نبودند. هر چند تلاشهای خسرو سینایی و نادر طالب زاده در بخشیدن غنای بیشتر به میزگرد و طرح معضلات عملی که می‌رفتند در حاشیه بمانند و مهم‌تر، استفاده از نقطه نظرات میهمانان جشنواره که به دلیل عدم تسلط مجری به زبان انگلیسی فراموش شده بودند، شایان ذکر است، باید گفت که میزگردهای جشنواره فجر به دلیل از هم گسیختگی اجرایی و موضوعی و عدم برخورداری از برنامه‌یی از پیش تعیین شده و همچنین حضور نامنظم شرکت‌کنندگان آن- کامران شیردل و ناصر تقوایی که حضور مفتنمی می‌توانستند داشته باشند، همانند که شیردل تا دو روز قبل از حضور اعلام شده‌اش در برنامه، اظهار بی‌اطلاعی می‌کرد! - و طرح

سؤالات تکراری غیر کاربردی، ملال‌آور بود. حال آن‌که جا داشت با توجه به حضور مستندسازان خارجی و طرح سؤالات اساسی‌تر- بخصوص در حوزه مسائل عملی و نحوه پشتیبانی دولت و نهادهای دولتی و خصوصی از تولید فیلم مستند در سایر کشورها- به الگوهای عملی‌بتری در حمایت از مستندسازی و مدیریتی فراگیر بر تولید انواع آن دست یافت، که میسر نشد و میزگردها علی‌رغم توانایی بالقوه فراوانی که در خود داشتند یا بدون حتی یک جمع‌بندی از آرا و گفت‌وگو و استنتاج مختصر، به کار خود پایان دادند، آن‌چنان که گویی

پانوشتها

۱. به سوی سینمای جدی، گفت‌وگو با مدیر مسؤول نقد سینما، محمدعلی زم، نقدسینما، ش ۵، ص ۱۵
۲. مقاله «مرگ مستند»، محمدرضا اصلانی، نقدسینما، ش ۵، ص ۶۸.
۳. نقل از سخنان دکتر بورنجاتی، معاون سازمان صدا و سیما در روز افتتاحیه جشنواره سینما، ۴ و ۶. نقل از مصاحبه علیرضا غلامرضایی، مسؤول برگزاری بخش «چشم‌انداز سینمای مستند» با نگارنده.
۵. کریس پلاملی (Chris Plumely) مستندساز انگلیسی و میهمان جشنواره فجر در مصاحبه‌یی با نگارنده ایراز داشت: شما ایرانیان فرهنگ و تمدن قدیمی دارید که سرشار از ویژگیهای قومی، ملی، سنن، آداب و رسوم است که دقیقاً جنبه نمایشی داشته و از این بابت نیز حائز اهمیت است و بهترین موضوع برای ساخت فیلم مستند. ما مشتاق دیدن این مجموعه در فیلمهای مستند شما هستیم. بگذارید بگویم، همواره اشتیاق ما در این مورد از سطح تولیدات شما بیشتر بوده است.

